



پیپر در صندوق پست

نویسنده : Aditi De

تصویرگر : Samrat Halder

ترجمه : فاطمه حیدروند

پیپر از لانه به بیرون نگاه
می کند. خورشید مثل یک بوندی
لادو در آسمان است .



بوندی لادو : نوعی شیرینی گرد و طلائی محبوب هندی

خش خش...
خش خشش..
پیپر از یک برگ سبز بزرگ
بالا میرود.



... و داخل یک صندوق پستی قرمز.
داخل صندوق تاریک است.
پیپر داخل یک پاکت می رود.
این پاکت تمبر های
قرمز، آبی و سبز دارد.





خیش خیشش، خیش خیشش.
دستی تمام نامه ها را درون
یک کیسه بزرگ ریخت.

یک خانم پستی کیف بزرگ را روی
موتور سیکلتش گذاشت.
تررترترترترترترترترترت
تررترترترترترترترترت.

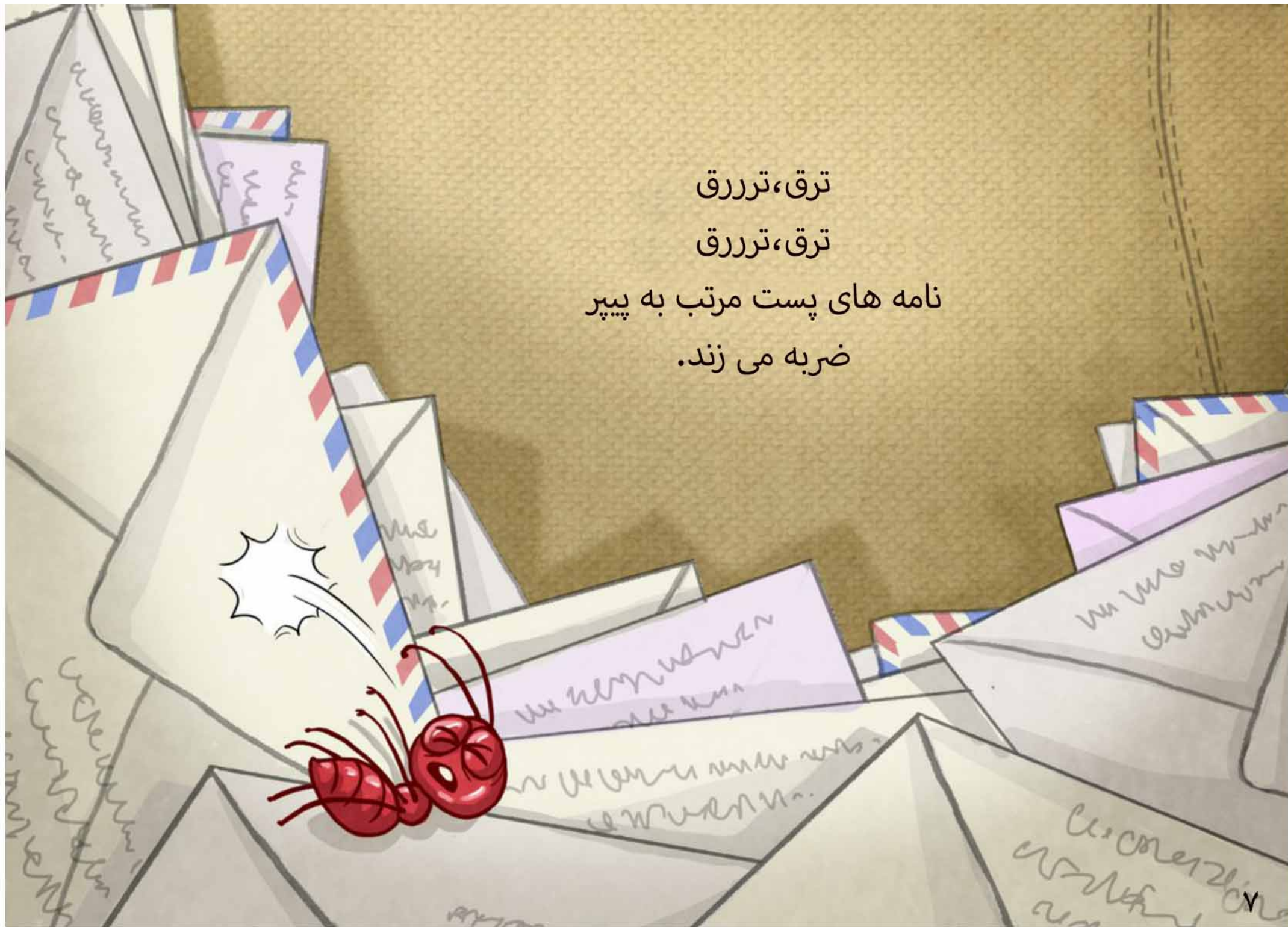


ترق، تررق

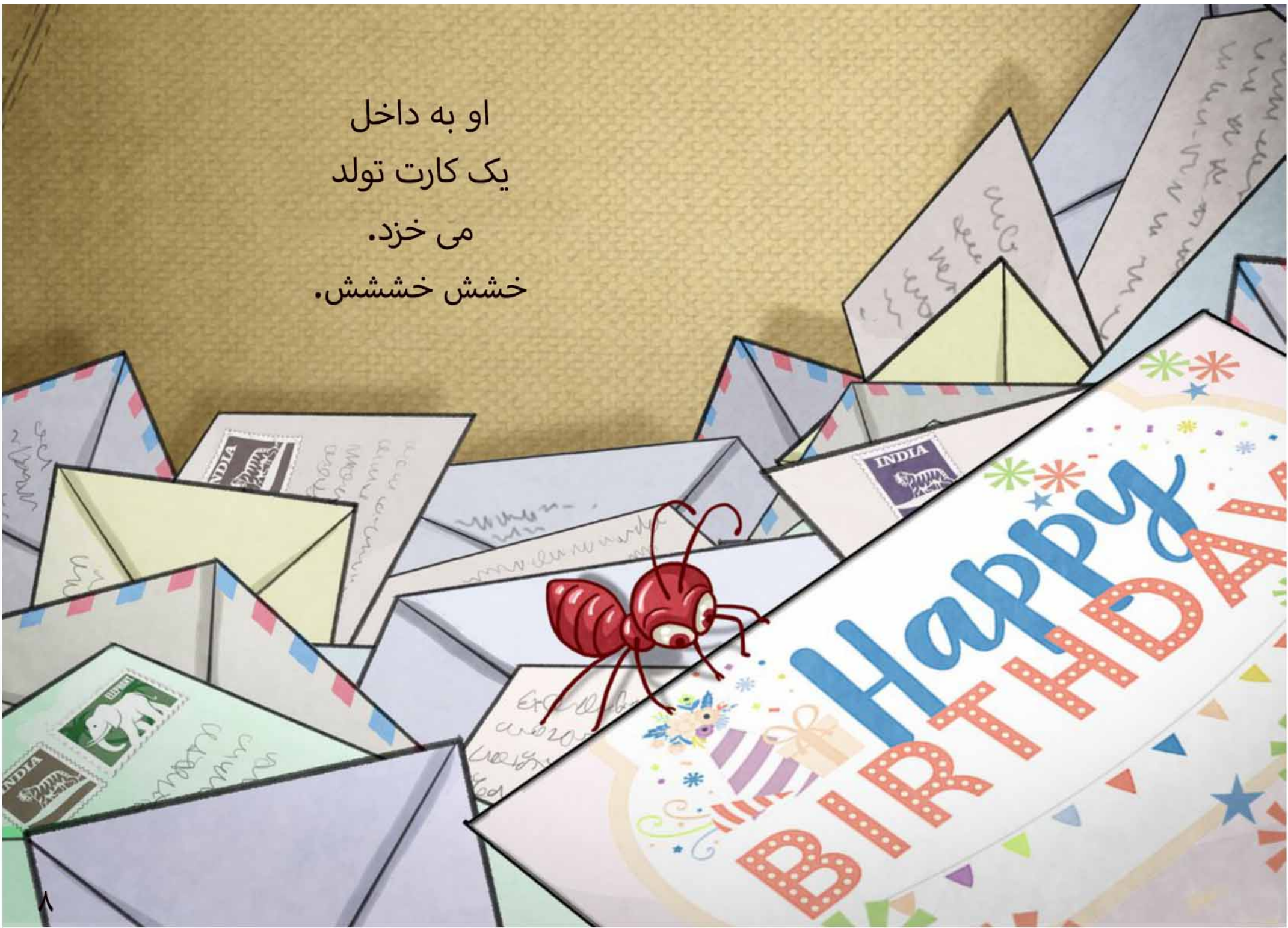
ترق، تررق

نامه های پست مرتب به پیپر

ضربه می زند.



او به داخل
یک کارت تولد
می خزد.
خشش خششش.





کیسه پستی روی یک میز قرار می گیرد.

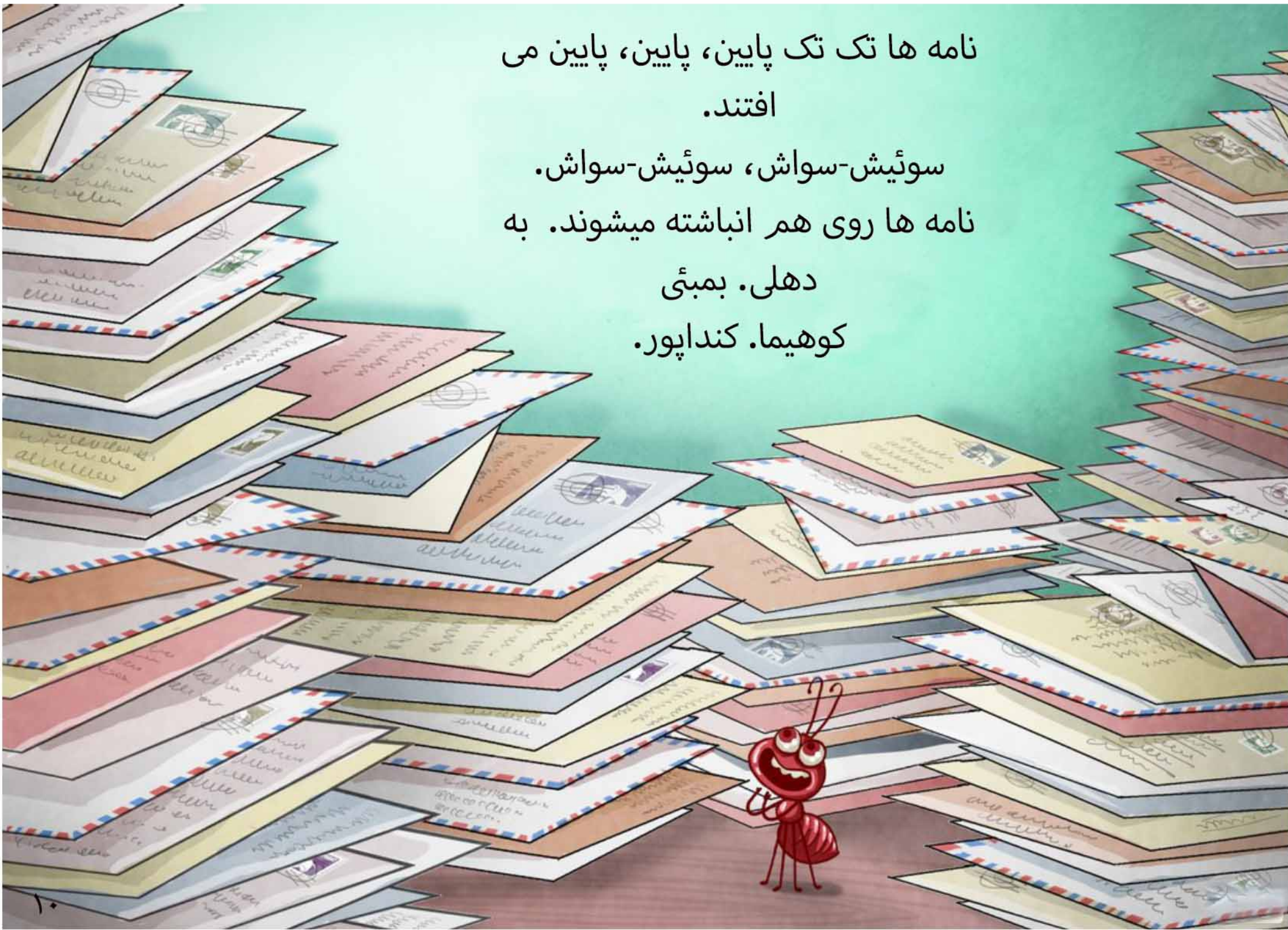
نامه ها بیرون می ریزند.

ترق ترق تررق

تمبر خورند.

نامه ها تک تک پایین، پایین، پایین می
افتند.

سوئیش-سواش، سوئیش-سواش.
نامه ها روی هم انباشته میشوند. به
دهلی. بمبئی
کوهیما. کنداپور.



پیپر به یک کارت می چسبد.
کارت در یک کیف پستی شلوغ
فرود می آید.

کیسه در یک ون پستی پرتاب می شود.
پارپتی پررر، پارپتی پرررر



پیپر یک کارت پستال وارونه را می خواند،
که روی یک نامه صورتی با جوهر آبی نوشته
شده: "تونو، مدرسه را دوست داری؟
می توانی با من
آواز (آهنگ ماه) را بخوانی؟"

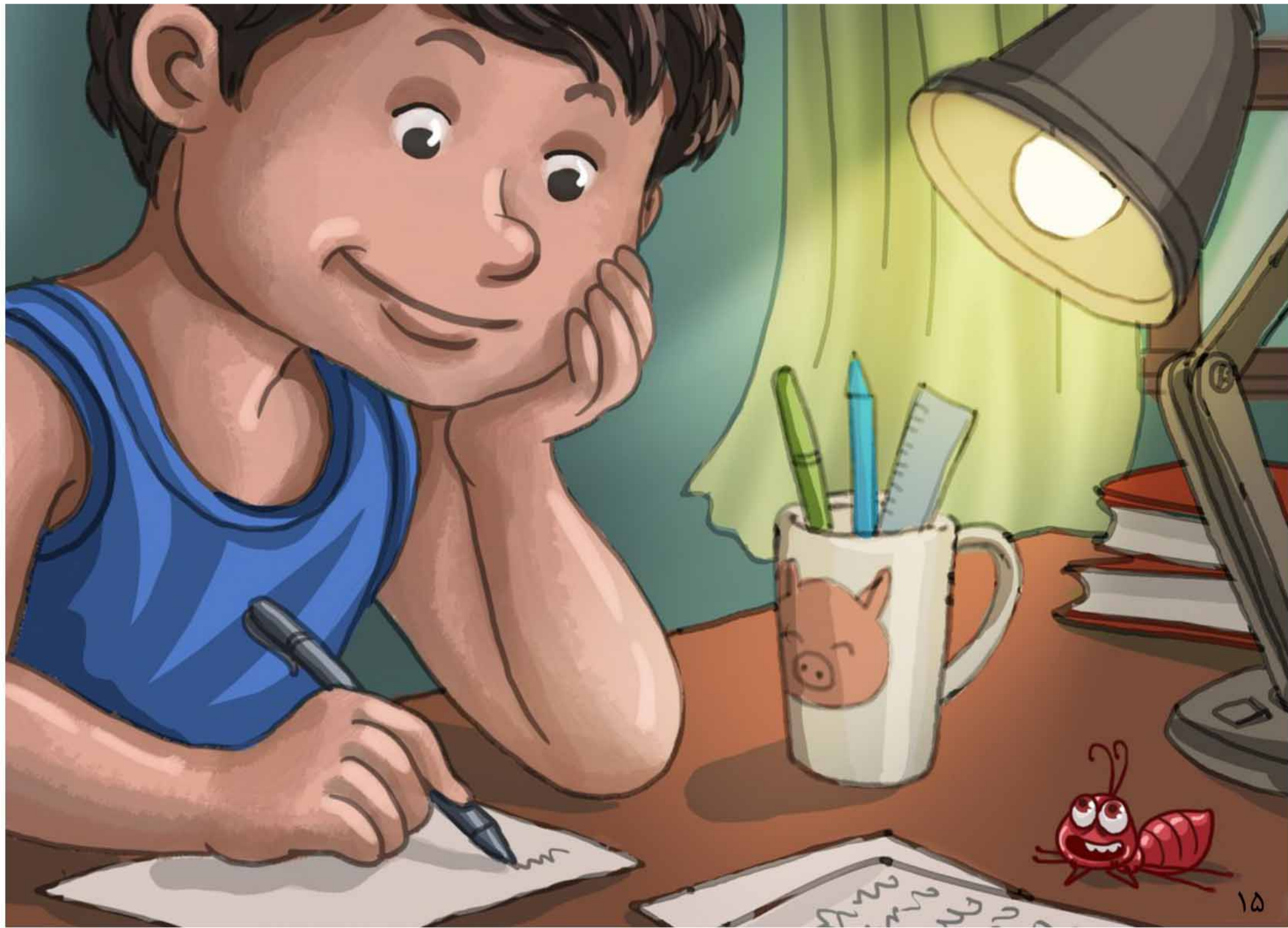


دینگ دینگ

پیپر صدای زنگ در را می شنود.

”ماما! آجی برایم کارت فرستاده.“







- پایان -